

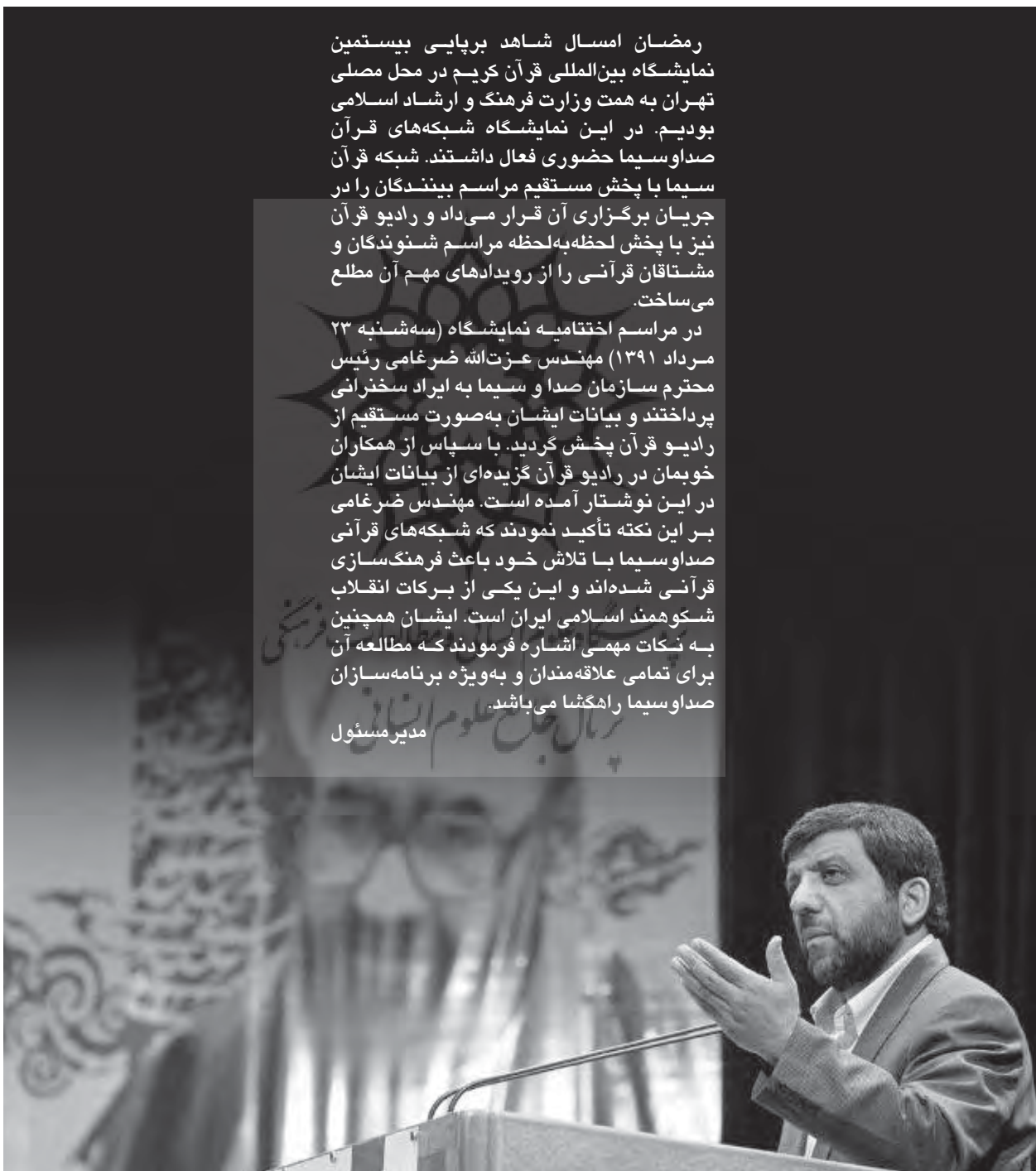
نقش شبکه‌های قرآنی صداوسیما در فرهنگ‌سازی

گزیده‌ای از بیانات مهندس عزت‌الله ضرغامی رئیس محترم سازمان صداوسیما

رمضان امسال شاهد برپایی بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در محل مصلی تهران به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودیم. در این نمایشگاه شبکه‌های قرآن صداوسیما حضوری فعال داشتند. شبکه قرآن سیما با پخش مستقیم مراسم بینندگان را در جریان برگزاری آن قرار می‌داد و رادیو قرآن نیز با پخش لحظه‌به‌لحظه مراسم شنوندگان و مشتاقان قرآنی را از رویدادهای مهم آن مطلع می‌ساخت.

در مراسم اختتامیه نمایشگاه (سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۱) مهندس عزت‌الله ضرغامی رئیس محترم سازمان صدا و سیما به ایراد سخنرانی پرداختند و بیانات ایشان به صورت مستقیم از رادیو قرآن پخش گردید. با سپاس از همکاران خوبمان در رادیو قرآن گزیده‌ای از بیانات ایشان در این نوشتار آمده است. مهندس ضرغامی بر این نکته تأکید نمودند که شبکه‌های قرآنی صداوسیما با تلاش خود باعث فرهنگ‌سازی قرآنی شده‌اند و این یکی از برکات انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. ایشان همچنین به نکات مهمی اشاره فرمودند که مطالعه آن برای تمامی علاقه‌مندان و به‌ویژه برنامه‌سازان صداوسیما راهگشا می‌باشد.

مدیرمسئول





بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرين
خدمت همه بزرگان و بزرگواران،
خادمان قرآن و اعضای محترم جامعه
قرآنی، خواهران و برادران بزرگوار عرض
ادب و احترام دارم و خدا را شکر می کنم
که توفیق پیدا کردم در روزهای آخر ماه
رمضان در این محفل پربرکت و معنوی
و قرآنی خدمت شما عزیزان اهل قرآن
برسم و از مجالست و موانست با شما
عزیزان بهره ببرم.
از برگزارکنندگان این دوره نمایشگاه
قرآن و همچنین از وزیر محترم فرهنگ
و ارشاد اسلامی به خاطر تلاشی که برای
فراهم آوردن این امکانات و ظرفیت بزرگ
و مؤثر معنوی انجام دادند صمیمانه تشکر
می کنم.

در این جلسه قرآنی، اگر ما بخواهیم از
خداوند متعال درخواستی بکنیم، شاید
این باشد که از او طلب کنیم به ما اخلاق
قرآنی عنایت فرماید. همانطور که همسر
پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله
وسلم) در مورد آن شخصیت استثنایی
بشیریت می گویند: "خلقه القرآن" معلوم

می شود که خلق و خوی قرآنی ویژگی
برتر و برجسته ای است و قاعدتاً کسانی
که با قرآن محشورند باید از این ویژگی
برخوردار باشند. در بسیاری از عرصه ها
و حوزه ها قرآن برترین سخن و برترین
کلام را برای مخاطبان و علاقه مندان خود
دارد. خلق قرآنی و اخلاق قرآنی صفت
برجسته ای است که می تواند شامل حال
برخی افراد بشود. همه ما می خواهیم که
خلقمان قرآنی بشود، اگر از این منظر در
قرآن تدبر کنیم و کلام بزرگان را ملاحظه
کنیم شاید به نتایجی دست یابیم، چون
ما از خودمان چیزی نداریم اما مصادیق
فراوانی می بینیم. سعی می کنم در این
مجلس باشکوه معنوی یک مصداق روشن
آن را که برگرفته از آراء شهید بزرگوار
مطهری است به یادگار خدمت شما عرض
کنم.

از فرمایشات شهید مطهری این طور
برمی آید که قرآن در برخورد با مسائل
پیش روی بشریت روش خاصی دارد. این
روش هم اقتناع عقلانی می کند و هم به
طریقی مانند یک حکیم و طبیب انسان
را مداوا می کند. هر دو در کنار هم است
و اگر کسی فکر کند تنها بخشی از آن

می تواند کارساز باشد، حتماً راه را درست
نمی پیماید. یک مصداق این موضوع
در مقابله با استدلال منکران و معاندان
است. منکران روز قیامت، منکران معاد
به حسب ظاهر آمدند و استدلال کردند
که چه معادی؟، چه روز آخرتی؟، مگر
چنین امکانی وجود دارد که انسانی که از
دنیا رفته و استخوان هایش پوسیده شده
و خاک شده و با وزش باد این خاکها
پراکنده می شود و چیزی در کف دست
نمی ماند چطور می شود روز قیامت دوباره
همین انسان با همین هیئت آنجا زنده
شود و پاسخگوی اعمالش باشد؟ این
استدلال را قرآن کریم هم ذکر می کند.
در آیه معروف انتهای سوره مبارکه یس
خداوند می فرماید: "و ضرب لنا مثلاً و
نسی خلقه قال من یحی العظام و هی
رمیم" می فرماید: انسان خلقت خودش
را فراموش کرد، آمد این استخوان را
گرفت با آن توصیفی که عرض کردم
وقتی همشاش بر باد رفت گفت حالا چه
کسی اینها را زنده می کند؟ چه کسی
اینها را ترمیم می کند؟ معاد چگونه با
این واقعیت جمع می شود؟ قرآن استدلال
می کند: "قل یحییها الذی انشاها اول مرة

امروزه شبکه‌های قرآنی،
چه شبکه سیما، چه شبکه
صدا، در حوزه معارف
قرآنی فرهنگ‌سازی کردند،
اینکه جمع‌خوانی‌های عظیم
تبدیل به یک فرهنگ شده،
خود از برکات برنامه‌هایی
است که ارائه می‌شود.
امروز به دنیا نشان دادیم
که شیعه به‌طور واقعی و
به معنای واقعی کلمه اهل
قرآن است.

و هو بکل خلق علیم" بگو همان کسی این کار را می‌کند که زمانی که تو نبودی و از تو خبری نبود تو را خلق کرد. معاد اعاده معدوم نیست بلکه اعاده موجود است منتها از حالت متفرق و پراکنده به حالت یکپارچه و واحد، حتماً از عدم بوجود آوردن، بسیار سخت‌تر و مشکل‌تر است از چیزی که موجود اما متفرق باشد و بخواهیم آن را جمع کنیم. آدم خلقت خودش را فراموش کرده و سؤال می‌کند چگونه زنده می‌شود؟ پاسخ این است که همانطور زنده می‌شود که در ابتدا زنده شده است. اما آیا همه هدایت این است؟ اگر فلاسفه، بزرگان، علماء، هر جا دیدند انکاری هست بشینند با عقلانیت با استدلال با فلسفه مسئله را حل کنند؟ نه اینطور نیست. بر اساس آموزش‌های قرآنی، نکات دیگری هم هست که یک نمونه را عرض می‌کنم. در سوره مبارکه قیامت خداوند به صورت دیگری با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صحبت می‌کند و به ما درس می‌دهد: "لا اقسام بیوم القیامة ولا اقسام بالتفس اللوامة. ایحسب الانسان ان لن نجتمع عظامه. بلی قادرین علی ان نسوی بنانه" اشاره می‌کند که ای انسان ما

تو را برمی‌گردانیم حتی سرانگشتان تو را مثل اول می‌کنیم. آیا فکر می‌کنید ما قادر نیستیم؟ نه... قادریم، همین سرانگشتانی که آن موقع نمی‌دانستند مقصود چیست اما امروزه که انگشت‌نگاری برای بشر روشن شده می‌دانیم که هیچ دو فردی نیست که شیارهای انگشتانش مثل هم باشد، آن موقع کسی این را نمی‌دانست، اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود، شهید مطهری یکی از زیباترین بحث‌های معارفی خودش را ذیل آیه بعد مطرح می‌کند. آنجا که می‌فرماید: "بل یریدالانسان لیفجر امامة" داستان این است، بحث انکار معاد و اینکه باید استدلال کنید و دلیل بیاورید این یک بحث است که جای خود دارد، اما کسانی که منکر می‌شوند و مدام می‌آیند و به تو می‌گویند ای پیامبر تو چه دلیلی داری؟ کدام معاد؟ کدام بازگشت؟ با کدام قدرت؟ با کدام استدلال؟ اینها در واقع به دنبال استدلال نیستند "بل یریدالانسان لیفجر امامه" انسان می‌خواهد گناه بکند. آنچه که در امام و پیش رویش است. می‌خواهد خودش را به فجور و گناه و معصیت و تباهی بکشانند، اما این انسان برای گناه کردن و معصیت کردن به دنبال

توجیه می‌گردد، به دنبال بهانه می‌گردد، برای خودش مکتب وضع می‌کند. به تعبیر شهید مطهری نظریه پردازی می‌کند برای هوای نفسش، برای یک هدف دیگر برای یک خواسته نفسانی دیگر، او واقعاً دنبال استدلال نیست و ایشان به عنوان یک محقق بزرگ نتیجه می‌گیرد که بسیاری از مکاتبی که در دنیا ایجاد شد و بسیاری از نظریه‌هایی که خلق شد پایه استدلالی عقلانی و منطقی ندارد. این در واقع توجیه‌کننده آن رفتار است. برای آن مکتب خلق شده، خوب دقت کنید این دو سخن با هم تفاوت زیادی دارد، زمانی یک نفر برای شما استدلال می‌کند و با آن استدلال راضی می‌شوید اما زمانی قرار نیست راضی بشوید، این بحث دیگری است. یک ضرب‌المثل فرنگی می‌گوید: "آدمی که خوابه می‌شود بیدارش کرد، اما آدمی که خودش را به خواب زده هرگز بیدار نمی‌شود"، چون او اصلاً قرار نیست قانع بشود او دنبال چیز دیگری است: "بل یریدالانسان لیفجر امامه" این آدم دنبال گناه و معصیت است. اما چون خجالت می‌کشد چون بالاخره خروج از دایره انسانیت دشوار است، برای خودش

بهبان می‌آورد و مکتب خلق می‌کند و نظریه‌پردازی می‌کند. بنابراین، مثل یک طبیب باید او را مداوا کرد. اینکه فرمودند شفا باید بگیرید از قرآن، قرآن نور و رحمت و شفاست، مقصود همین است. خداوند به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: ای پیامبر، این افراد دنبال این مسائل هستند والا استدلال تو درست است. این همه استدلال امروز در کشور و جامعه خودمان وجود دارد. نگاه کنید به این همه هیاهوهای به ظاهر فکری و نظری در دنیای امروز. آیا همه آنها اصالت فکری دارند؟ هرگز اینطور نیست. اگر دقیق مطالعه کنیم بسیاری از آنها را می‌شود به بوته نقد گذاشت تا معلوم شود چقدر دارای تناقض هستند. اگر وقت بود چند مورد را به لحاظ سیاسی توضیح می‌دادم، اما فرصت نیست همین قدر عرض کنم که قرآن می‌فرماید بروید و لایه بعد را ببینید.

بزرگان! مبلغان! شخصیت‌هایی که وظیفه هدایت جامعه را به عهده دارید! خلقی که براساس قرآن است، خلقی که پیامبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) دارند "بیما رحمه من الله لنت لهم" یک رفتار هست "و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك" ای پیامبر، تو اخلاق و رفتار نیکویی داری، همه وجود تو رحمت است، اصلاً وقتی می‌نشینی همه مثل پروانه به دورت جمع می‌شوند، عاشق تو هستند، عاشق رفتار تو هستند، عاشق منش و مسلک تو هستند، لذا استدلال مرحله دیگری است، بنابراین خیلی وقتها ما دنبال استدلال و منطق و عقلانیت می‌گردیم که در جای خودش بسیار مهم است. همانطور که دانش بشر و همه زحماتی که کشیده شده برپایه عقلانیت بوده است. اما آیا خلق قرآن بر این اساس است که ما از این مسیر برویم؟ همین دو آیه‌ای که من برای شما شاهد مثال آوردم نشان می‌دهد که قرآن کریم دو زاویه مختلف را (به تعبیر شهید مطهری) نشانه می‌گیرد.

این ایامی که گذشت، ایام ضربت خوردن و شهادت حضرت علی (علیه‌السلام)، که پیوند خورده با شب‌های قدر، اینهم رمز و راز و حکمتی دارد، آنطور که نقل شده حضرت علی (علیه‌السلام) در آن ایام که در بستر بیماری بودند از جمله آیاتی که تلاوت می‌فرمودند آیه ۵۵ سوره مبارکه طه بود: "منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرى"، از همین خاک به دنیا آمدیم خلق شدیم و به همین خاک بازمی‌گردیم، از همین خاک دوباره سر بیرون می‌آوریم همه وجود ما از این خاک است، مفسرین می‌گویند: یادمان باشه این همه گردنکشی، این همه غرور، این همه نخوت برای چیست؟ خوب آخرش که خاک گل کوزه‌گران خواهیم شد. توجه به این بحث اخلاقی و منطقی مهم است. انسان از خاک آفریده شده، معنای ساده‌اش این است که چرخه حیات بر اساس خاک هست، اکولوژی به‌گونه‌ای است که عناصر موجود در جسم، زنده و غیرزنده، همه به خاک باز برمی‌گردد، همین الان ما داریم مجدداً از خاک خلق می‌شویم، اما خداوند می‌فرماید: ای انسان، این خاک نشان می‌دهد تو از کجا آمدی. ببینید هم استدلال است و هم توجه اخلاقی دادن است. در آیه دیگری در قرآن می‌خوانیم: "يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً" وقتی اوج افسردگی و ندامت و حسرت برای کافران پیش می‌آید به تعبیری که رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله تعالی) در نشستی که با کارگزاران نظام در ابتدای ماه مبارک داشتند، به آن اشاره فرمودند: یوم الحسرة که اصلاً این حسرت یعنی چی؟ به تعبیر قرآن آنجا آرزو می‌کند همین خاک بی‌مقدار باشد، که ایشان فرمودند: حسرت و ندامت در آن روز آنقدر دردناک است که بقیه عذاب‌های الهی آن‌موقع در مقابل این حسرت چیزی به حساب نمی‌آیند، این سخن مهمی است. همه این موارد خلق قرآن است و روشی است که قرآن از آن بهره می‌برد.

اما در مورد جلسه امروز باید بگویم امروزه شبکه‌های قرآنی، چه شبکه سیما، چه شبکه صدا، در حوزه معارف قرآنی فرهنگ‌سازی کردند، اینکه جمع‌خوانی‌های عظیم تبدیل به یک فرهنگ شده، خود از برکات برنامه‌هایی است که ارائه می‌شود. امروز به دنیا نشان دادیم که شیعه به‌طور واقعی و به معنای واقعی کلمه اهل قرآن است. از ابتدای سحر شما تصاویر تلویزیونی را می‌بینید از شهرهای مختلف با اذان صبح مردم جمع می‌شوند با ادب، با نظم، با عشق و علاقه قرائت قرآن و جمع‌خوانی‌ها را شروع می‌کنند. بعضی از این نشست‌ها چند هزار نفری است. یکی از این نشست‌های موفق در قم است، که چندین سال قدمت دارد. خیلی از اتفاقات دیگری هم که در حوزه قرآنی روی داده الحمدلله و به فضل الهی باعث شده تا سطح توجه به قرآن و تربیت قرآنی نسبت به گذشته ارتقاء بسیار محسوس و ارزشمندی پیدا کند. این نمایشگاه و این ضیافت بزرگ که در واقع توسط وزارت ارشاد تولید می‌شود. (همان‌طور که آقای محمدی اشاره کردند) از برکات تلاش‌هایی است که انجام شده و انشاءالله مورد قبول خداوند واقع شود، ولی اینها همه یک بُعد کار قرآنی است، اما بُعد اصلی بُعد تأثیرپذیری و انسان‌شدن است، زیرا قرآن کتاب انسان‌سازی و نشست‌ها و این اقدامات خلق و خوی همه ما قرآنی شود. وقتی صاحب یک امکانی شدیم در حد خود می‌توانیم معطی آن باشیم، فاقد شیء معطی شیء نمی‌شود وقتی خودمان صاحب خلق قرآنی شدیم انشاءالله می‌توانیم تلاش کنیم و تبلیغ کنیم تا به یاری خدا آن کسانی که مخاطب ما هستند آنها نیز خلقشان را بر اساس آموزه‌های قرآنی تطبیق دهند و برکاتش شامل همه ما بشود. انشاءالله موفق وسلامت و پایدار باشید. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.